

The Political Strategy for Iran and Saudi Arabia in the Second Wave of Islamic Awakening in Bahrain, Syria and Yemen

Shohreh Pirani

Assistant Professor, Department of Political and Islamic Revolution Studies,
Shahed University, Tehran, Iran Sh.pirani@shahed.ac.ir

Abstract

Iran and Saudi Arabia are two regional powers in West Asia that have long had ideological and political rivalries. After the victory of the Islamic Revolution in 1979, the pre-existing competition intensified and the security of the West Asian region underwent a fundamental change. The two countries have different views on regional order, both claiming leadership of the Islamic world and trying to design regional strategies to influence regional developments in their favor. Saudi Arabia puts the basis of its regional strategy on compromise with the West, while Iran-leveraging its network of regional coalitions-pursues geopolitical resistance. After the dominolike uprisings throughout the Arab countries in the region in the name of the Islamic Awakening and their subsequent developments, the rivalry between the two countries intensifies even more. Iran and Saudi Arabia pursued two different strategies in their neighborhood policy towards the developments regarding the Islamic-awakening in the Arab world. The purpose of this article is to examine the neighborhood policy of Iran and Saudi Arabia in Bahrain, Syria and Yemen. This article seeks to answer the main question: What was the neighborhood policy of Iran and Saudi Arabia towards the Islamic Awakening and the subsequent developments in West Asia? In this article, in addition to examining the neighborhood policy of Iran and Saudi Arabia during the Islamic Awakening, leading strategies in the

future of Saudi-Iranian relations are also examined. using the library resources, the authors adopt the qualitative method of documentary analysis to write this paper.

Keywords; Iran, Saudi Arabia, Neighborhood, Islamic Awakening

راهبرد سیاسی ایران و عربستان در موج دوم بیداری اسلامی در کشورهای بحرین، سوریه و یمن

شهره پیرانی

استادیار، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران
Sh.pirani@shahed.ac.ir

چکیده

ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا هستند که از دیرباز رقابت‌های ایدئولوژیک و سیاسی داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رقابتی که از پیش وجود داشت تشدید شد و امنیت منطقه‌ای غرب آسیا دچار تغییر اساسی شد. دو کشور دیدگاه‌های متفاوتی در مورد نظم منطقه‌ای دارند، هر دو ادعای رهبری جهان اسلام را دارند و تلاش می‌کنند راهبردهای منطقه‌ای تأثیر گذاری بر تحولات منطقه‌ای طراحی کنند که راهبرد عربستان بر پایه سازش با غرب و ایران راهبرد مقاومت و ائتلاف بر پایه ژئوپولوتیک مقاومت است. پس از ناآرامی‌های دومینو وار کشورهای عربی منطقه در بیداری اسلامی و تحولات پس از آن، شکاف و رقابت بین دو کشور بیشتر شد. ایران و عربستان دو راهبرد متفاوت در سیاست همسایگی شان نسبت به تحولات در کشورهای عربی و بیداری اسلامی در پیش گرفتند. هدف این مقاله بررسی سیاست همسایگی ایران و عربستان در کشورهای بحرین، سوریه و یمن است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که سیاست همسایگی ایران و عربستان نسبت به بیداری اسلامی و تحولات غرب آسیا چه بود؟ در این مقاله علاوه بر بررسی سیاست همسایگی دو کشور در جریان بیداری اسلامی راهبردهای پیش‌رو در آینده روابط ایران و عربستان نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است.

کلید واژه‌ها: همسایگی، ایران، عربستان، بیداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۵/۰۵ **تاریخ بازبینی:** ۰۰/۰۹/۱۷ **تاریخ پذیرش:** ۰۰/۱۰/۱۵

فصلنامه راهبرد، سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی ۱۰۱، اسفند ۱۴۰۰، صص ۷۹۱-۸۲۷

مقدمه

آنچه که در شناسایی قدرت‌های منطقه‌ای مهم است علاوه بر شرایط توزیع قدرت در آن منطقه (قنبرلو، ۱۳۸۸، ص. ۵۴) این است که هم از میزان بالایی از منابع قدرت به عنوان شرط لازم برای دستیابی به قدرت منطقه‌ای برخوردار باشند و هم نقش مؤثری در مسائل منطقه‌ای ایفا کنند (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵). در تحلیلی جامع‌تر استفان شرم برای قدرت منطقه‌ای چهار شاخص را بیان می‌کند: ادعای رهبری منطقه‌ای؛ برخورداری از منابع لازم قدرت از جمله امکانات نظامی؛ اقتصادی؛ جمعیت فعال و متخصص و منابع طبیعی به مثابه قدرت مادی در کنار منابع قدرت نرم از جمله فرهنگ سیاسی، مشروعیت سیاسی و ثبات سیاسی و هویت، به کارگیری مناسب ابزارهای سیاست خارجی از قبیل دیپلماسی فعال، تجهیزات نظامی، توان اقتصادی و تبلیغاتی و در نهایت پذیرش نقش رهبری توسط دولت‌های ثالث (Flemes, 2007).

قدرت‌های منطقه‌ای رقیب معمولاً در یک فضای رقابتی، قدرت و ایدئولوژیک، عکس‌العمل‌های متقابل و تعامل مجدد ایدئولوژیک را دنبال می‌کنند. در غرب آسیا ایران و عربستان در این فضای رقابتی به ایفای نقش، هرچند متفاوت، در درگیری‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. ایران و عربستان دو قدرت منطقه‌ای رقیب در منطقه غرب آسیا هستند که روابط آنها از وجوه گوناگون داخلی و منطقه‌ای پیچیده است. دو کشور هم از نظر جمعیت، هم از نظر توانایی مادی و صنعتی تفاوت‌های قابل توجهی

دارند (Mousavian, 2019, p. 6). سیاست خارجی دو کشور را تمایل به قدرت منطقه‌ای بودن و نیز کنترل بر پیشامدهای ژئوپلیتیک منطقه شکل می‌دهد. از نظر هر دو کشور تأثیرگذاری بر سیاست‌های همسایگان و امور کلی منطقه‌ای برای ایجاد اعتبار و اتحاد و تأثیرگذاری آنها ضروری است و نظم سیاسی منطقه‌ای مطلوب نظامی است که بقای آنها را تهدید نکند (Cerioli, 2018, pp. 298-302).

طرفداری یا ضدیت با جمهوری اسلامی ایران یا عربستان، در تعیین سیاست همسایگی دو کشور نقش به‌سزایی داشته است. به طوری که در این شرایط مفهوم مرز و همسایگی تعریفی موسع یا مضیق به خود می‌گیرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، رقابتی که از پیش بین ایران و عربستان وجود داشت، تشدید شد و امنیت منطقه‌ای غرب آسیا دچار تغییر اساسی شد. جمهوری اسلامی ایران با هدف استقرار یک قدرت منطقه‌ای مبتنی بر اسلام شیعی، منتقد غرب و حکومت‌های سلطنتی، دارای داعیه رهبری سربرآورد که این مساله شوک بزرگی را در میان کشورهای منطقه به رهبری عربستان وارد نمود. از مهمترین نگرانی‌های عربستان در سال‌های پس از انقلاب، توانایی ایران در تأثیرگذاری بر بازیگران غیردولتی و دولت‌های منطقه بوده است (Khan, 2020). تعریف متفاوت از امنیت منطقه‌ای، طرفداری از حضور یا مخالفت با حضور قدرتهای بیگانه در منطقه، حمایت یا عدم حمایت از گروه‌های آزادیبخش در منطقه، اختلافات دیرینه قومی و مذهبی، تفاوت ایدئولوژی سیاسی دو کشور، نگاه متفاوت به بازیگران غیردولتی منطقه، نفت، نامگذاری منطقه، رهبری منطقه و مواردی از این دست در مواجهه دو کشور با تنش‌ها و بی‌ثباتی‌های ایجاد شده در منطقه تأثیر مستقیم گذاشته است. (Youssef, 2016, p. 12)

با سقوط صدام و قدرت‌یابی شیعیان در عراق، عربستان نگران تسلط ایران بر منطقه شد. چرا که سقوط صدام حسین در عراق خلا قدرتی در منطقه ایجاد کرد که هر دو کشور سعی در پر کردن آن داشتند. جنگ ۲۰۰۶ لبنان و انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ نقطه عطف رقابت دو کشور بود. عربستان تلاش کرد کشورهای عربی منطقه و ایالات متحده آمریکا را نیز با خود همراه کند. ایران نیز با تفسیر موسع از مفهوم همسایگی سعی نمود همراهی جبهه مقاومت و کشورها و گروه‌های همسو با این

جبهه را با خود داشته باشد. رویکرد ایران و عربستان در برخورد با انقلاب‌های عربی رویکردی کاملاً متفاوت بود. این مقاله با روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی و نیز روش مقایسه‌ای است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال است که سیاست همسایگی ایران و عربستان در مواجهه با بیداری اسلامی چه بود؟

۲ - مبانی نظری

۱-۲ سیاست همسایگی^۱

رفتار سیاست خارجی_ نه سیاست خارجی_ یک کشور در بردارنده، ساختار قابل مشاهده سیاست خارجی؛ کنش‌ها و رفتار کشورها در قلمرو سیاست خارجی سیاست خارجی کشورها برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران است. این رفتار می‌تواند پیوستاری از تعارض تا همکاری، جنگ و صلح و تنش و همکاری را در بر بگیرد در همان حال این رفتار می‌تواند به صورت خودآگاه یا تصادفی و ناخواسته توسط حکومت‌ها اعمال شود (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۱)

سیاست همسایگی در پی برقراری امنیت؛ شناسایی ظرفیت‌ها؛ تعاملات اقتصادی و برپاداری ثبات بر اساس تحقق توافقات بین کشورهای پیرامونی در منطقه و مرزهاست. بر این مبنا اجرای موفق آن، مستلزم، بهره‌گیری از روابط دوجانبه با کشورهای پیرامونی، منطقه‌ای و همچنین بهره‌برداری از سازمان‌های منطقه‌ای، برای حل و فصل اختلافات احتمالی اعم از اختلافات مرزی؛ قومی؛ عقیدتی و غیره است. کارکرد اصلی سیاست همسایگی، برقراری ثبات و پایداری در منطقه و مرزها میان همسایگان است. یکی از شروط اصلی سیاست همسایگی رضایت همسایگان در جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های تکمیلی یکدیگر است. لازمه اجرای موفق این سیاست مبتنی بر شناسایی تمام پتانسیل‌های موجود از جمله در حوزه‌های

اقتصادی، تمدنی و فرهنگی است. این سیاست در چهار سطح داخلی، روابط دو جانبه با همسایگان، منطقه‌ای و بهره‌گیری از سازمان‌های همسو قابل اجراء است. با اینکه در اصل سیاست همسایگی نگاهی غیر امنیتی دارد اما در برخی مناطق، یک کشور ممکن است تحت تأثیر ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی همسایه گانش قرار بگیرد. همسایگی می‌تواند اثرات مثبت و منفی در پی داشته باشد. هرگاه همسایگی اثرات نامطلوب داشته باشد می‌توان از طریق روابط بین‌الملل اثرات نامطلوب آنرا کاهش داد. مطالعات نشان داده بی‌ثباتی همسایگان تأثیر مثبت و مستقیمی بر بی‌ثباتی سیاسی یک کشور می‌گذارد با توجه به اینکه همسایگان جغرافیایی عاملی ثابت هستند و قابل تغییر نیستند یافتن روش‌های کارآمد برای خنثی کردن تأثیر منفی احتمالی آن بر کشور دیگر ساده‌ترین راه‌حل برای حل این معضل است. مطالعات نشان داده ارتباطات اجتماعی همراه با ثبات سیاسی و اقتصادی به طور بالقوه می‌تواند تأثیر منفی بی‌ثباتی همسایگان را کاهش دهد. در واقع بی‌ثباتی سیاسی و رونق اقتصادی رابطه مستقیمی دارند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که بی‌ثباتی منطقه‌ای به عنوان بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای همسایه، تأثیر منفی شدیدی بر عملکرد اقتصادی یک کشور دارد. آدس و چوا (۱۹۹۷) داشتن همسایگی از نظر سیاسی ناپایدار را به عنوان «لعنت همسایه» تعبیر نموده است. این بی‌ثباتی سیاسی هم بر اقتصاد سیاسی همسایگان در سطح کلان که منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی می‌شود اثر می‌گذارد هم بر نگرش‌های اقتصادی از طریق تعاملات اجتماعی و تحمیل تحریفات بیشتر توسعه اقتصادی در عرصه اقتصاد خرد. برای این منظور می‌توان از مشارکت در سازمانهای بین‌المللی، تجارت آزاد و و شرکای تجاری اصلی بهره برد. مطالعات نشان داده مشارکت بیشتر در سازمانهای بین‌المللی سبب کاهش بی‌ثباتی همسایگان می‌شود از سوی دیگر باز بودن تجارت به طور معنی‌داری بی‌ثباتی سیاسی همسایگان را کاهش نمی‌دهد. وابستگی یک کشور

² the neighbor's curse."

به همسایگان کاهش می یابد به ویژه هنگامی که اغلب شرکای اصلی تجاری آن کشور غیرهمسایه باشند (Grechyna, 2017, pp. 6-8)

از سال ۲۰۰۳ سیاست همسایگی در اروپا به سرعت توسعه یافته است. اما هنوز نه از نظر مفهومی کامل است نه از نظر عملیاتی. هدف این سیاست ثبات سیاسی؛ اقتصادی؛ نو سازی و دموکراتیک سازی در کشورهای همسایه اتحادیه اروپا در اروپای شرقی و منطقه مدیترانه است. هدف اصلی ایجاد ثبات، امنیت و رفاه در مرزهای شرقی و جنوبی اتحادیه اروپا است که از طریق ایجاد وابستگی مثبت، مبارزه علیه تهدیدات رایج از جمله تروریسم بین المللی، جرائم سازمان یافته و مهاجرت غیرقانونی و همکاری برای حل اختلافات تامین می شود. اتحادیه اروپا اعلام کرده به نفع اروپا است که کشورهایایی که در مرز ما هستند به خوبی اداره شوند. همسایگانی که درگیر درگیری های خشونت آمیز هستند و کشورهای ضعیف با نهادمندی پایین، جوامع ناکارآمدی هستند که مشکلات آنها به اروپا سرازیر می شود و برای اروپا مشکل ایجاد می کند. تأکید اتحادیه اروپا بر ارائه اروپا به عنوان مروج دموکراسی خارجی و محرک سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اصلاحات سیاسی اقتصادی و نیز حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی و تقویت مدنی است. علاوه بر اتحادیه اروپا چین نیز از سیاست همسایگی بهره برده است و جز کشورهای موفق در این زمینه به شمار می آید. از ابتدای قرن ۲۱ چین در راستای سیاست همسایگی خود به تقویت ارتباطات خود با همسایگان در حال توسعه اش پرداخت. این همکاری ها در قالب سازمانهای چندجانبه در سه ستون مسائل سیاسی امنیتی؛ توسعه اقتصادی پایدار و همچنین تبادل فرهنگی و نیز پنج حوزه همکاری در زمینه ارتباطات؛ ظرفیت تولید؛ همکاری اقتصادی مرزی؛ منابع آب و کشاورزی و کاهش فقر بوده است (Li & Yang, 2019, p. 35). چین با تأکید بر ایجاد "کمربند حاشیه ای استراتژیک"^۳ در دهه های اخیر سعی کرد سیاست همسایگی موفقی را دنبال کند. با توجه به رشد اقتصادی چین در چند دهه اخیر، بخش عمده ای از این سیاست را اهداف سیاسی در

³ strategic periphery belt

بر دارد (Godement, 2014) طی سالهای گذشته همکاری اقتصادی نزدیکتری بین چین و کشورهای در حال توسعه همسایه آن شکل گرفته است این اقدامات در جهت تقویت اعتماد سازی؛ وابستگی متقابل اقتصادی؛ همکاری در زمینه اقتصاد؛ سیاست؛ امنیت و حوزه فرهنگی بود که در این زمینه با توجه به اقدامات متقابلی همچون مبارزه با تروریسم؛ مقابله با جنایات برون مرزی؛ حفاظت از محیط زیست؛ همکاری در مقابله با بلایای طبیعی؛ دیدارهای چند جانبه و دوجانبه با مقامات کشورهای همسایه؛ توانست اعتماد سازی متقابل را با اکثر آنها تقویت کند و یک منطقه امن و مرفه را با مشارکت همسایگان ایجاد کند. در این سیاست همسایگی بر اصول دوستی؛ صداقت؛ منافع متقابل و فراگیر؛ مشارکت با همسایگان؛ ایجاد محیط امن و مرفه و تقویت همکاری ها در جهت بازی برد برد با همسایگان تأکید شده است (Li & Yang, 2019, pp. 35-38). رهبران چین تفکر خود را در زمینه دیپلماسی همسایگی چین با توجه به تغییرات در چشم اندازهای داخلی و بین المللی توسعه داده اند. در این استراتژی چین با تنظیم طرح دیپلماسی چینی، غنی سازی مفهوم دیپلماسی همسایگی نوآوری در راهبردهای دیپلماسی همسایگی، توانست اعتماد سیاسی متقابل را تقویت کند. پس سیاست همسایگی در نقاط مختلف دنیا، مبتنی بر اهداف، مقتضیات، نوع حکومت و حتی نوع همسایگان کشورها اجرا می شود. به نظر می رسد در منطقه غرب آسیا شاخص های امنیتی بیش از سایر شاخص ها در سنجش عملکرد سیاست همسایگی کشورها مؤثر است، چراکه منطقه در طول تاریخ خود درگیر تنش هایی که به دلایل مختلف ایجاد شده بوده و همین تنش ها بر ثبات در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی تأثیر منفی گذاشته است.

۳- سیاست همسایگی ایران و عربستان بر پایه راهبردی برای

حضور در منطقه

ایران و عربستان سعودی بر مبنای نگاه متفاوت در اولویت بندی های منطقه ای نیز سیاست همسایگی متفاوتی را پیش و پس از بیداری اسلامی در منطقه در پیش گرفته اند که مهمترین عناصر آن عبارتند از:

۱. نگاه متفاوت دو کشور به نفوذ: از سویی نظریه ایرانی - اسلامی همسایگی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آن بوده است نفوذ هدف نیست، پیش فرض این است که نفوذ به صورت طبیعی وجود دارد. تنها بایستی آن را گسترش داد و از آن فراتر رفت. این نفوذ بیش از آن که مبتنی بر حضور نظامی و قدرت سخت باشد، مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی بوده است. سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران داعیه اخلاقی و مذهبی دارد از این رو کوششی است برای انتقال تدریجی و ملایم فرهنگی در ناخودآگاه ملی کشورهای هدف. بر این مبنا سیاست خارجی ایران با نفوذهای اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی تعریف نمی شود و اصولاً رهیافت منفعت طلبی، گسترش جغرافیایی و بهره‌مندی مادی و پرستیژی وجه مسلط و برتر در سیاست خارجی ایده آل ایران نیست (طاهایی & موسوی نیا، ۱۳۹۲، ص. ۱۷-۱۹). سیاست همسایگی ایران در انقلاب‌های عربی نیز بر همین مبنا شکل گرفت. در مقابل سیاست همسایگی عربستان مبتنی بر نفوذ است. به همین دلیل در انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ نیز به طور مستقیم در بحرین و یمن مداخله نظامی انجام داد و به سرکوب مخالفان دولت‌های مستقر دست زد.
۲. حمایت از گروه‌های همسو: در حالی که تلاش ایران در گسترش کنشگری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قالب ایجاد ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های همسو مانند سوریه، حزب الله لبنان، جنبش انصارالله یمن و حمایت همه جانبه از آنها و در نتیجه افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای قابل مشاهده است. با اجرای این سیاست‌ها ضریب نفوذ به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت و در کشورهای یمن، بحرین، کویت و حتی عربستان گروه‌هایی هستند که ایران را ملجا خود می‌دانند گفتنی است، استراتژی دفاع رو به جلو، حضور برون مرزی و حمایت از گروه‌های مقاومت و دولت‌های

متحد، علاوه بر جلوگیری از تنهایی راهبردی ایران سبب گسترش عمق استراتژیک ایران نیز شده است (Perteghella, 2019, p. 31). همین نقش آفرینی ایران سبب تأثیرگذاری بیشتر ایران در ترتیبات منطقه‌ای بیش از گذشته شده است (Maloney, 2017, p. 2). همکاری‌های راهبردی با کشورهای منطقه و خارج از منطقه، جهت کاهش خطر افراطی‌گری اسلامی که امنیت منطقه و جهان را به مخاطره افکنده داشته است (سهرابی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷-۱۱۴). بر همین اساس ایران در محیط پرآشوب منطقه‌ای پیرامون خود از راهبرد امنیت بهم پیوسته برای تأمین منافع و امنیت ملی خود بهره برد. در مقابل عربستان سعودی با حمایت از گروه‌های افراطی امنیت منطقه و حتی جهان را به مخاطره انداخته است.

۳. امنیت منطقه‌ای درونزا یا برونزا: جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سیاست همسایگی خود بر این باور است که هرگونه بی‌ثباتی در کشورهای همسایه اعم از هم مرز یا همسایگان فرهنگی، ثبات همه کشورهای منطقه را نیز متأثر می‌سازد و از آنجایی که برخلاف عربستان معتقد است تأمین امنیت و بی‌ثبات‌زدایی در منطقه بایستی توسط کشورهای منطقه تأمین شود، با اتخاذ سیاست همسایگی متناسب با این راهبرد سعی در برقراری ثبات در کشورهای منطقه داشته است. راهبرد منطقه‌ای ایران مبتنی بر امنیت به هم پیوسته مبتنی شد. بر مبنای این راهبرد هرگونه ناامنی در منطقه، ناامنی برای ایران را در پی دارد و هرگونه ناامنی در ایران سبب بروز ناامنی در منطقه می‌شود. پس توجه به دغدغه‌های امنیتی کشورهای منطقه ضروری است (برزگر، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۵-۱۳۶). در مقابل عربستان سعودی امنیت منطقه را به همکاری با قدرت‌های فرامنطقه‌ای پیوند زده از این رو بر مبنای منافع این قدرت‌ها و تعریف آنها از امنیت و اولویت‌های امنیتی، امنیت منطقه دچار بحران و بی‌ثباتی می‌گردد. از سوی دیگر روابط

عربستان به کشورهای منطقه نیز بر مبنای همین اولویت‌های قدرت‌های بزرگ دچار بی‌ثباتی و تنش می‌گردد.

۴. فرقه‌گرایی منطقه‌ای: درحالی‌که پس از سقوط صدام، عربستان با مداخله در درگیری‌های منطقه‌ای و با بهره‌گیری از فرقه‌گرایی منطقه‌ای در پی افزایش نفوذ خود در منطقه بوده است، عربستان مداخله خود در بحران عراق، بحرین و سوریه را با یک گفتمان فرقه‌گرایانه توجیه نمود و به جای پیدا کردن یک راه حل اسلامی برای بحران در بحرین بر طبل اختلافات مذهبی کوبید (Colombo, 2012). اما جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در جهت مقابل فرقه‌گرایی منطقه‌ای عمل نمود. نفوذ عربستان و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همراه با سر و صدای زیاد است اما ایران تأثیر واقعی و پرنفوذ و بی‌صدایی در سوریه، لبنان و عراق داشته است. ایران این انقلاب‌های عربی را متأثر از انقلاب ایران می‌داند و این را فرصتی برای ایران برای سنگربندی و رهبری ایران در منطقه می‌داند. سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران در قبال انقلاب‌های عربی فرقی بین شیعه و سنی نمی‌گذارد و برای آزادی تلاش می‌کند. نگاه ایران به اعتراضات در کشورهای عربی شمال آفریقا و غرب آسیا از منظر نقش رهبری منطقه‌ای انقلابی، ضد امپریالیستی و تغییر وضع موجود بود که از ابتدای انقلاب اسلامی به عنوان یک کشور تجدیدنظرطلب در منطقه و دنیا آن را دنبال می‌کند (Cerlioli, 2018, pp. 301-303). مقام معظم رهبری بیان کردند ایران از هر جنبش مردمی تحت شعار اسلام حمایت می‌کنند و فرقی بین تونس، مصر، بحرین، لیبی نیست (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰، ۱۳۹۰).

۴- سیاست همسایگی ایران و عربستان در بیداری اسلامی

۴-۱ بیداری اسلامی در بحرین و واکنش ایران و عربستان

بحرین کشوری است با اکثریت شیعه تحت حاکمیت آل خلیفه سنی مذهب. شیعیان از نظر مالی ضعیف و تحت سرکوب هستند. همین مسئله سبب شکاف فرقه‌ای و اختلاف شده است. در سال ۲۰۱۱ در اعتراض به شکاف‌های اقتصادی و سرکوب مخالفان شیعه بهار عربی در بحرین آغاز شد. پاسخ دولت خشونت‌آمیز و همراه با کشتار بود. حکومت این تظاهرات را یک طرح شیعی می‌دانست که توسط ایران طراحی شده است در صورتیکه کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد هیچ‌گونه مدرکی در مورد دخالت ایران در بحرین نیافت (McGinn, 2018, ص. ۷۹). مهمترین نکات در مقایسه سیاست ایران و عربستان در بیداری اسلامی در بحرین به شرح زیر است:

۱. دخالت در حوادث بحرین: در حالیکه واکنش عربستان به بیداری اسلامی در بحرین (و هر نقطه دیگر درگیر در بیداری اسلامی) ضد انقلاب بود، در ۱۴ مارس ۲۰۱۴ ارتش شورای همکاری خلیج فارس (سربازانی از عربستان و امارات) برای اولین بار در تاریخ شورای همکاری خلیج فارس، فعال شد و به سرکوب شیعیان پرداخت (Cerioli, 2018, p. 302). تبلیغات زیادی علیه شیعیان آغاز شد و قول اصلاحات داده شد، هر چند که انجام نشد. آنها اعزام نیرو از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس را نه مداخله که نشانه همبستگی این کشورها با بحرین می‌دانستند. ریاض پس از ۲۰۱۱ کمک‌های اقتصادی خود را به بحرین افزایش داد. ایران اما تأکید داشت که هیچ‌گونه دخالتی در حوادث بحرین ندارد و این حوادث توسط جمعیت شیعی ناراضی مستقل در بحرین دنبال می‌شود. تأکید افکار عمومی و حکومت ایران بر حقانیت مردم معترض در بحرین بود.

۲. دیدگاه نسبت به مردم معترض: ایران حمله شورای همکاری خلیج فارس به سرکردگی عربستان را به تظاهرکنندگان را محکوم کرد و دلیل آن را ترس ریاض از رسیدن انقلاب به مرزهای خود بیان کرد و آن را همانند اشغال کویت توسط صدام توصیف کرد اما ایران در راستای اجرای سیاست همسایگی خود و با توجه به اطمینان از نفوذ فرهنگی و مذهبی خود در بین شیعیان ایران به طور عملی وارد بحرین نشد. سیاست اعلامی ایران با شدت بیشتر و لحن تندتری از وقایع بحرین در مقایسه با شورش‌ها در مصر، لیبی، تونس و حتی یمن، پشتیبانی کرد. مهمترین اقدامات ایران در حمایت از معترضین بحرین عبارت بود از متهم کردن مقامات بحرینی به دلیل اقدامات ضد بشری و ریختن خون معترضان و نیز جنگ رسانه‌ای برجسته علیه مقامات بحرین که با توجه به نادیده گرفته شدن اکثریت بحرین که شیعه هستند توسط حکومت آل خلیفه؛ ایران سعی کرد با تبلیغ وقایع انقلاب بحرین در رسانه‌ها این عدم تعادل را از بین ببرد. همچنین حمله علنی به روحانیون سعودی به دلیل حمایت از حکومت بحرین و مطرح کردن ادعای ایرانی بودن بحرین.

۳. حفظ یا تغییر وضع موجود: عربستان اعتراضات را مخل وضع موجود می‌دانست. بحرین در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس بیش از همه تحت تأثیر اعتراضات قرار گرفت. عربستان هم از اثر دومینووار اعتراضات هراس داشت و هم از نفوذ قابل توجه ایران در منطقه در صورت به نتیجه رسیدن اعتراضات در بحرین. عربستان مخالف هرگونه اصلاح سیاسی در ساختار بحرین بود چرا که می‌توانست به شیعیان قدرت دهد و این خلاف منافع عربستان در بحرین بود. در مقابل جمهوری اسلامی خواسته‌های معترضین در بحرین را قانونی دانسته و از تلاش آنها جهت تغییر در وضعیت در سیاست‌های اعلامی خود حمایت کرد (Cerioli, 2018, p. 303)

۴. تأکید افکار عمومی و حکومت ایران بر حقانیت مردم معترض در بحرین بود.

۵. فرقه‌گرایی: عملکرد عربستان در بهار عربی فرقه‌ای بود. در حالی که به سرکوب شیعیان کمک می‌کردند به اهل سنت در بحرین، سوریه و یمن کمک می‌کردند. عربستان در ۲۰۱۱ از مراکش و اردن برای پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس دعوت کرد که این نشانه‌ای از هویت جدید شورای همکاری خلیج فارس نه بر مبنای جغرافیا که بر مبنای نوع حکومت (سلطنت) و ایدئولوژی یا مذهب مشترک (اهل سنت) و اتحاد هرچه بیشتر شورای همکاری خلیج فارس انجام شد. دلیل اصلی اینگونه مداخلات عربستان این بود که خود را به عنوان حکومتی که قادر است امنیت منطقه را تامین کند، جلوه دهد این در حالی است که ایران در پی این بود که نادیده گرفته شدن اکثریت شیعه بحرین توسط حکومت آل خلیفه را در فضای بین‌المللی و رسانه‌ای بازتاب دهد. در این مسیر ایران با انتقاد از حمایت روحانیون سعودی از حکومت بحرین و نیز توجیه اقدامات خشونت‌آمیز حکومت آل خلیفه توسط این روحانیون و اقدامات دیپلماتیکی همانند محدود کردن روابط دیپلماتیک با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و نیز انتقاد از مداخله ارتش این کشورها در بحرین، این راهبرد را دنبال نمود. (Abu Hilal, 2011, p. 5) مهمترین اقدامات ایران در حمایت از معترضین بحرین عبارت بودند از متهم نمودن مقامات بحرینی به دلیل اقدامات ضد بشری و ریختن خون معترضان و نیز جنگ رسانه‌ای برجسته علیه مقامات بحرین. ایران رهبران سعودی را متهم به نادیده انگاشتن خواست شیعیان بحرین برای تغییر متهم نمود. عربستان در تلاش برای حفظ قدرت و نفوذ خود در بحرین و دفاع از منافع غرب بود. تحولات بحرین به دلیل اتفاقاتی که در سوریه افتاد به حاشیه رانده شد (Fürting, 2013, p. 14). مقام معظم رهبری در واکنش به

سرکوب‌ها در بحرین با اشاره به موضع رسمی ایران در این مورد فرمودند: ما همیشه و در هر جای دنیا در کنار ملت‌های مظلوم بوده ایم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید بر فرقه‌گرایی و اختلاف بین شیعه و سنی در منطقه را توطئه نظام سلطه دانسته و آن را محکوم کردند: «امروز یک چنین وضعی را اینها در منطقه به وجود آورده‌اند؛ ایجاد اختلاف کرده‌اند؛ باید تلاش کرد این اختلافات از بین برود. ما صریحاً و علناً به همه گفته‌ایم: ما دست دوستی به سمت همه‌ی دولتهای مسلمان منطقه دراز میکنیم؛ ما با دولتهای مسلمان هیچ مشکلی نداریم.» ایشان با تأکید بر سیاست همسایگی مسالمت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران بر تداوم این ارتباط با کشورهای هم‌سایه تأکید نمودند: «البته روابطمان با بسیاری از همسایه‌ها یعنی اغلب همسایه‌هایمان هم روابط دوستانه و برادرانه است. در شمال، در جنوب، در غرب و در شرق، کشورهایی که دوروبر جمهوری اسلامی ایران هستند، با ما روابط خوب دارند. البته بعضی‌ها هم نزدیک و دور اختلاف دارند، لجاجت میکنند، خباثت میکنند - البته این هست لکن از طرف ما بنایمان بر ارتباطات خوب با همسایگان است؛ دولتها و بالخصوص ملت‌ها. ارتباطات کشور ما با ملت‌ها ارتباطات خوبی است.» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴) به این ترتیب مشخص است که جمهوری اسلامی ایران هم خود را به عنوان مدافع مردم بحرین در اعتراض معرفی کرد و هم بر وحدت اسلامی مرتبط با مقاومت اسلامی و منطقه‌ای به دور از هرگونه فرقه‌گرایی در این حمایت تأکید نمود.

۲-۴- بحران در سوریه و واکنش ایران و عربستان

شام به عنوان یک جزیره استراتژیک برای ایران و عربستان شناخته می‌شود. ریشه‌های تاریخی ایران و عربستان در منطقه عمیق هستند. لبنان محلی بود برای

صدور انقلاب ایران در بین شیعیان و از طرف دیگر نفوذ قابل توجه عربستان در بین سنی‌های این کشور (رفیق حریری و سعد حریری). از نظر نمادین ایران و عربستان اعتبار زیادی در داخل و خارج منطقه به عنوان حامی فلسطین دارند. ایران از گروه‌هایی همانند حزب الله و حماس حمایت کرده. جنگ حزب الله علیه اسرائیل در ۲۰۰۶ که توانست موفقیت‌های زیادی به دست آورد نقطه عطفی در جبهه مقاومت بود. حزب الله به عنوان یک گروه شیعه توانست در مقابل اسرائیل موفقیت‌هایی به دست آورد که گروه‌های سنی لبنان در آن ناکام بودند. گروه‌هایی که مدتها با اسرائیل مخالف بوده‌اند اما نتوانستند موفقیتی در این زمینه کسب کنند. همین مسئله بحث‌های سختی را بین مردم با روحانیون سلفی و حکومت سلطنتی برانگیخت که سعی کردند بر مسائل پان عربی و غیره تأکید کنند (Wehrey, 2011, p. 356). بحران سوریه بسیاری از کشورهای منطقه و قدرتهای دنیا را درگیر خود نمود. کشورهای حاشیه خلیج فارس در جنگ سوریه، از افزایش نفوذ کشورهای غیرعربی (ایران، ترکیه و روسیه) در این کشور ناخشنود و نگران بودند و هستند (Blanchard, 2021, p. 40). کشورهای شورای همکاری خلیج فارس استانداردهای دوگانه‌ای نسبت به بهار عربی داشتند و این غیر قابل انکار است. (دخالت امارات و عربستان در سرکوب مخالفان بحرین و از سوی دیگر مداخله نظامی به نفع مخالفان در لیبی). قطر نیز درگیر چنین تناقضی بود. حمایت از جنبش‌ها در سوریه و لیبی هم رسانه‌ای بود هم لجستیکی. حمایت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از مخالفان سوری انسان‌دوستانه و شرافتمندانه نبود. و توپیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت علیه سوریه توسط چین و سوریه مورد اعتراض کشورهای حاشیه خلیج فارس واقع شد. در این بین عربستان و قطر برای نقش آفرینی در سوریه و حمایت از مخالفین رقابت داشتند. شاخص‌های موضع‌گیری ایران و عربستان در بحران سوریه به شرح زیر است.

۱. دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای: در حالیکه عربستان مداخله آمریکا را در بحران سوریه به طور مداوم تشویق می‌کرد، ایران با مداخله آمریکا و رژیم صهیونیستی در بحران سوریه به شدت مقابله کرد. در واقع

درگیری اصلی در سوریه بین ایران و عربستان نبود بلکه بین ایران و رژیم صهیونیستی است. از آنجایی که عربستان به این نتیجه رسید که پشتیبانی آمریکا را در سوریه به قدر کافی نخواهد داشت و هزینه مداخله در بحران سوریه بیش از فایده آن است، از مداخله در این کشور عقب کشید (McGinn, 2018, p. 9). آنجا که جمهوری اسلامی ایران اعتراضات در سوریه را توطئه آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای همپیمانان در منطقه می‌دانست از ابتدای بحران سوریه به کمک مستشاری به حکومت اسد پرداخت.

۲. دیدگاه نسبت به مردم معترض: وقتی سوریه ناآرام شد، عربستان در یک رهبری هماهنگ با شورای همکاری خلیج فارس در پی تضعیف اسد پیش رفت. عربستان بزرگترین تأمین کننده تسلیحات برای مخالفان سوری بود. انگیزه عربستان از دخالت در سوریه تضعیف موقعیت ایران بود، چراکه نگران تغییرات منطقه ناشی از همکاری ایران عراق و سوریه بودند (Tarnawski, 2013). عربستان در یک جنگ نیابتی با نفوذی که در اهل تسنن منطقه و قبایل شرق سوریه داشت (قبیله ملک عبدالله پادشاه تازه مستقر شده عربستان در زمان بحران سوریه، شاخه‌هایی در سوریه دارد) و نیز گروه‌های اخوانی در حلب و حمص سعی در گسترش اعتراضات کرد. اعتراضات در سوریه و شکاف‌های بعدی سبب ایجاد بحث‌های داخلی در مورد ماندن یا رفتن اسد شد. اما شکاف عمیق میان گروه‌های سنی کار را برای عربستان دشوار نمود. قطر از گروه‌های همسو با اخوان المسلمین حمایت کرد و عربستان و امارات متحده عربی از گروه‌های سلفی-تکفیری. در مقابل ایران از اسد حمایت محکمی کرد و از سوی دیگر خواستار گفتگو در سوریه شد، در عین حال در مقابله با گروه‌های تکفیری به اسد کمک کرد.

۳. حفظ یا تغییر وضع موجود: در حالیکه عربستان سعودی در همه انقلاب‌های عربی به دنبال حفظ وضع موجود بود، در سوریه به دنبال تغییر وضع موجود بود و با حمایت از گروه‌های تکفیری سلفی به دنبال سقوط اسد در جهت مقابله با نفوذ منطقه بود. اما ایران بر این باور بود که وقایع سوریه را نمی‌توان با وقایع مصر و تونس مقایسه کرد. تهران استدلال می‌کرد اوضاع سوریه شبیه یک جنگ داخلی است که توسط خارجیان تحریک می‌شود. ایران در پیوند با اسد به زنجیره مقاومت در برابر قدرت‌های استکباری و غربی تفسیر می‌کرد. ایران استدلال می‌کرد به دنبال شکاف شیعه و سنی در سوریه نیست، در عوض نیروهای مستکبر و غربی در پی قطع زنجیره مقاومت در جهت منافع اسرائیل و مخالف با مقاومت است. از این رو ایران آگاهانه ایران اصطلاح بیداری اسلامی را در مورد وقایع سوریه به کار نمی‌برد (Fürting, 2013, p. 15). ایران برخوردار است. از آغاز جنگ عراق علیه ایران سوریه قابل اعتمادترین متحد تهران بود. با این دوستی تهران توانایی تأثیرگذاری بر حوادث شرق مدیترانه به‌ویژه درگیری اعراب و اسرائیل را داشت. از دست دادن سوریه در سیاست هم‌سایگی ایران، بزرگترین شکست استراتژیک ۳۰ ساله برای ایران را به دنبال داشت؛ چراکه نقطه پیوند ایران با حزب الله، حماس و همسایگی با مرز فلسطین اشغالی را از دست می‌داد. با توجه به این اهمیت، ایران جانب بشار اسد را گرفت.
۴. فرقه‌گرایی: رهبر معظم انقلاب جنگ داخلی در سوریه را توطئه بیگانه در جهت فرقه‌گرایی در میان مسلمانان و برای بی‌ثبات‌سازی منطقه جهت ایجاد امنیت برای رژیم صهیونیستی می‌دانند: «تبلیغات غرب و رسانه‌های منطقه‌ای وابسته و مزدور، جنگ ویرانگر در سوریه را نزاع شیعه و سنی وانمود می‌کند و حاشیه‌ی امنی برای صهیونیست‌ها و دشمنان مقاومت در سوریه و لبنان پدید می‌آورد. این در حالی است

که دو طرف نزاع در سوریه، نه سنی و شیعه، بلکه طرفداران مقاومت ضدصهیونیستی و مخالفان آنند. نه دولت سوریه یک دولت شیعی، و نه معارضه‌ی سکولار و ضد اسلام آن یک گروه سنی‌اند. تنها هنر گردانندگان این سناریوی فاجعه‌آمیز آن است که توانسته‌اند از احساسات مذهبی ساده‌اندیشان در این آتش‌افروزی مهلک استفاده کنند» سیاستی فرقه‌گرایانه‌ای که از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و صهیونیسم و با کمک دلارهای نفتی سیاستمداران خودفروخته منطقه هزینه ریختن خون مسلمانان می‌شود (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲). در حال حاضر نیز بشار اسد دست برتر را در تحولات و جنگ داخلی سوریه دارد. از این رو فرصت زیادی برای ایران فراهم است تا بر تحولات سوریه تاثیرگذار باشد. اما در مورد عربستان سعودی اینگونه نیست. سیاست همسایگی ایران در جهت مقابله با این تفرقه‌افکنی بین شیعه و سنی در سوریه و حفظ تمامیت ارضی این کشور بوده است.

۳-۴- بیداری اسلامی در یمن و واکنش ایران و عربستان

جمهوری یمن فقیرترین کشور در شبه جزیره عربستان است که عربستان آن را حیاط خلوت خود می‌شمارد. کشوری که درگیر قبیله‌گرایی، فساد، نابرابری اقتصادی، بیکاری، بی‌سوادی و ... بوده است. حوثی‌ها مناطق شمالی یمن را در اختیار دارند. عربستان مدعی است که حوثی‌ها توسط ایران حمایت می‌شوند. پادشاهی عربستان بر این باور است که ایران در پی بهره‌برداری از حوثی‌ها به عنوان یک پل ارتباطی در شمال یمن است و می‌خواهد مدل حزب‌الله را در مرزهای عربستان پیاده کند. که البته بسیاری از کارشناسان بر این باورند که این تصور از حوثی‌ها به عنوان نیروی تحت نفوذ ایران یک ساده‌سازی بزرگ است. ایران تا پیش از شروع جنگ‌های حوثی‌ها و دولت مرکزی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ بازیگر محوری در تحولات کشور یمن به شمار نمی‌رفت هرچند نفوذ فرهنگی ایران در زیدی‌های یمن سابقه

دیرینه تاریخی داشت. هیچ دلیل قطعی مبنی بر حمایت ایران از حوثی‌ها یافت نشده است. واقعیت این است که درگیری‌ها در یمن هیچ‌گاه در یک محور فرقه‌ای مشخص انجام نشده است. حمایت جمهوری اسلامی ایران و عربستان از گروه‌های درگیر حمایتی سیاسی است نه فرقه‌ای. به طوری که حتی در دوره‌هایی عربستان سعودی بر اساس منافع خود از گروه‌های زیدی یمن شمالی (به عنوان مثال بین سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۶۰) حمایت کرده و در پی توازن قدرت (جلوگیری از ضعف و قدرت گروه‌های قبیل‌های و دولتی یمن) در جهت منافع خود بوده است (McGinn, 2018, pp. 5-6) در همین دوره حکومت سکولار شاه نیز از شیعیان زیدی یمن به دلیل همین ملاحظات سیاسی نه مذهبی حمایت کرد. در ۲۰۱۱ نیز ایران و عربستان بر مبنای منافع فعلی خود از بازیگران درگیر در بحران یمن حمایت کردند. عربستان سعودی پس از سالها حمایت از علی عبدالله صالح رئیس جمهوری «زیدی» یمن با همراهی دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تصمیم گرفتند وی از قدرت کناره‌گیری کند. صالح سال ۲۰۱۴ به یمن بازگشت و با گروه مسلح زیدی یمن یعنی حوثی‌ها متحد شد. دور جدید درگیری‌های یمن از سال ۲۰۱۴ و در پی جاه‌طلبی‌های گروه‌های تازه قدرت یافته در عربستان، آغاز شد. عربستان سعودی و ائتلاف متشکل از کشورهای سنی به طور مرتب مناطق تحت نفوذ حوثی‌ها را بمباران هوایی می‌کنند. با این وجود حوثی‌ها توانسته‌اند به مقاومت ادامه دهند.

۱. حفظ یا تغییر وضع موجود: عربستان از ابتدا در بحران یمن درگیر شد چرا که هراس داشت همه شبه جزیره درگیر اعتراضات شود. عربستان بحران یمن را نتیجه دخالت مستقیم ایران در امور داخلی یمن می‌داند و هدف تهران را تضعیف ثبات و امنیت یمن می‌داند. ایران را مسئله می‌داند نه راه حل، حوثی‌ها را عروسک‌های ایرانی نامید و جنگ علیه حوثی‌ها را یک مبارزه ایدئولوژیک علیه ایران بیان نمود. این در حالی است که تحلیلگران بر این باورند که بعید است ایران سرمایه‌گذاری زیادی روی حوثی‌ها انجام دهد و نسبت به وابستگی شدید حوثی‌ها به ایران تردید دارند و کمک‌ها بیشتر بشردوستانه است. عربستان

سعی کرد شکل‌گیری قدرت در یمن به نفع خود تأثیرگذار باشد. ایران نیز به نوبه خود سعی کرد نفوذ خود را در یمن گسترش دهد (Menshawy & Mabon, 2021). یمن به واسطه جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی منحصر به فرد و همچنین وجود جمعیت زیادی در این کشور اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد، تقویت جایگاه متحدان ایران در این کشور یک سرمایه استراتژیکی محسوب می‌شود. یمن کنترل بنادر، جزایر سوق الجیشی و تنگه باب‌المندب را در اختیار دارد که نقش مهمی در تجارت دریایی ایفا می‌کند. تسلط متحدان منطقه‌ای ایران بر تنگه باب‌المندب نفوذ راهبردی ایران در منطقه غرب آسیا را عمق می‌بخشد (Raga, 2020, p. 4). در مقابل کاهش نفوذ ایران در یمن و تسلط محور عبری، عربی و غربی بر مناطق راهبردی یمن به ویژه تنگه باب‌المندب، خلیج عدن، جزایر سوکوئرا، خطر جدی برای تجارت دریایی ایران در پی دارد.

۲. فرقه‌گرایی: عربستان بحران یمن را یک بحران فرقه‌ای دانست که در آن زیدی‌ها به دلیل نزدیکی ایدئولوژیک به شیعیان توسط آنها تحریک شده‌اند. حتی در یک مصاحبه با الجزیره رهبر یک گروه ضد حوثی مخالفان خود را پارسی نامید. در مورد دخالت ایالات متحده همانند بحران یمن عربستان منتظر تأیید ایالات متحده برای مداخله نظامی در یمن نشدند. برخی تحلیلگران بر این باورند که ملک سلمان با وا‌شنگتن برای این حمله در عوض توافق هسته‌ای ایران و اواما توافق نموده بود (Ceroli, 2018). این پیروزی برای نمایش اقتدار بن‌سلمان به عنوان اولین نوه عبدالعزیز ضروری بود. شکست در جنگ یمن می‌تواند یک شکست برای سیاست خارجی بن سلمان باشد. یمن و سرنوشت آن نقش مهمی در رهبری منطقه‌ای عربستان دارد.

۳. دخالت نظامی: حوثی‌ها یکی از گروه‌های قدرتمند هستند که پس از تحولات بیداری اسلامی، وارد محور مقاومت شدند. با آغاز بیداری

اسلامی در ۲۰۱۱ در کشورهای عربی، حمایت جمهوری اسلامی ایران از حوثی‌ها و تلاش جهت نقش‌آفرینی و نفوذ بیشتر در کشور یمن افزایش یافت. حمایت نظامی ایران از حوثی‌ها حداقل از سال ۲۰۱۱ تاکنون عمدتاً محدود به مسئله آموزشی بوده است. در قیاس با دیگر گروه‌های عراقی و حزب‌الله لبنان، حمایت‌های مالی و نظامی کمتری از حوثی‌ها انجام می‌شود. این گروه شکست‌های سنگینی به عربستان به عنوان یکی از رقبای منطقه‌ای ایران وارد ساخته‌اند. حوثی‌ها همچنین قادرند در جهت امنیت ایران، مواضع آمریکا در دریای سرخ و باب المندب را تهدید کنند از سوی دیگر مشغول بودن عربستان در جنگ یمن این کشور را برای مدتی از نقش‌آفرینی جدی در لایه‌های بازدارنده ایران در سوریه، عراق و لبنان بازداشت؛ چرا که این کشور در حیاط خلوت با بحران جدی مواجه است. سیاست منطقه‌ای ایران در این بحران‌ها جهت تأمین بقای و تقویت موقعیت خود در محیط پیرامونی است (Vogt & Jalilvand, 2020, p. 16) نفوذ ایران در انصارالله معنوی بوده محمد عبدالسلام سخنگوی جنبش انصارالله یمن سخنگوی جنبش انصارالله یمن در دیدار با رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌گوید: «ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیر المؤمنین (ع) می‌دانیم و مواضع حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی (ره) و مایه برکت و بسیار روحیه بخش می‌دانیم» (دیدار سخنگوی جنبش انصارالله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب، ۱۳۹۸)

۴. دیدگاه نسبت به مردم معترض: همانند بحران بحرین ایران با اعتراضات در یمن همدل بود و به دنبال طرح این اعتراضات به عنوان "بیداری اسلامی" و متأثر از انقلاب اسلامی. ایران از مبارزات مردم یمن حمایت کرد و به ویژه از حوثی‌ها و آنها را یک سازمان سیاسی خطاب کرد که می‌توانند نقشی مشابه آن چه حزب الله در لبنان دارند ایفا کنند. البته

ایران مراقب بود از هرگونه نزدیکی به این گروه برای درگیری‌ها خودداری کند. عربستان ایران را متهم به کمک به حوثی‌ها می‌کرد ولی ایران تأکید داشت کمک‌ها به یمن بشردوستانه و پزشکی بوده است (Cerioli, 2018). مقام معظم رهبری جنگ یمن را یک جنگ سیاسی توصیف کرد نه جنگ مذهبی و تأکید کردند برخلاف اظهارات فرقه‌گرایانه عربستان در مورد این جنگ، جنگ یمن جنگ شیعه و سنی نیست) بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴. (تهران به شدت مخالف مداخله عربستان در یمن بوده است. رهبر معظم انقلاب به شدت مداخله عربستان در یمن را محکوم نمود و آن را غیر قانونی خواند و خواستار توقف مداخله شد (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۲۰).

آنچه مشخص است محاصره عربستان-امارات برای جلوگیری از رسیدن کمک به حوثی‌ها یک بحران انسانی را در یمن ایجاد کرده است. بسیاری بر این باورند که حملات عربستان به حوثی‌ها و یمن در پی ضربه زدن به ایران است (Khan, 2020). در حالی که عربستان سعودی اقدامات ضد حقوق بشری در قبال بحران یمن را در پیش گرفته، جمهوری اسلامی ایران از زاویه انسان‌دوستانه به بحران یمن نگرسته و این نشان از سیاست همسایگی موفق ایران در قبال بحران یمن است. از پایان ماه مارس ۲۰۲۱ عربستان طرح صلحی را در جهت خروج از بحران یمن پیشنهاد کرد. به نظر می‌رسد ایران در سیاست همسایگی موفق خود توانسته از خطوط گسل مابین کشورهای عربی در جهت منافع خود بهره‌برداری کند. به طوری که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جای اقدام قاطع در مقابل حوادث این‌چنینی دچار انشعاب شده‌اند. علاوه بر روابط عربستان و قطر، کشورهای کویت و عمان (به ویژه از سال ۲۰۱۷) مواضع آشتی‌جویانه‌تری نسبت به ایران داشته‌اند (McGinn, 2018, p. 5).

عربستان			ایران			شاخص‌های سیاست همسایگی
یمن	سوریه	بحرین	یمن	سوریه	بحرین	
عملکرد فرقه‌گرایانه	عملکرد فرقه‌گرایانه	عملکرد فرقه‌گرایانه	مخالفت با فرقه‌گرایی	مخالفت با فرقه‌گرایی	مخالفت با فرقه‌گرایی	فرقه‌گرایی.
سرکوب مردم و گروه‌های معترض	حمایت از گروه‌های افراطی	سرکوب مردم معترض	حمایت از مردم معترض	حمایت از گفتگوی داخلی	حمایت از مردم معترض	دیدگاه نسبت به خواسته‌های مردم معترض
حفظ وضع موجود	تغییر وضع موجود	حفظ وضع موجود بدون تغییر	تغییر وضع موجود در جهت خواسته مردم	حفظ وضع موجود و انجام اصلاحات	اصلاحات در جهت خواسته اکثریت شیعه	حفظ یا تغییر وضع موجود
دخالت نظامی	دخالت نظامی و مالی	دخالت نظامی	عدم مداخله	کمک مستشاری	عدم مداخله	دخالت در بحران داخلی کشور
موافقت	موافقت	موافقت	مخالفت	مخالفت	مخالفت	حمایت از دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای

جدول ش (۱): منبع نگارنده

۵- از تنش تا توافق

تجربه تاریخی رقابت و همکاری بین ایران و عربستان نشان داده است با وجود اینکه مذهب در این رقابت نقش داشته، اما این رقابت بیش از مذهب مربوط به سیاست و امنیت در منطقه است بر همین مبنا، کسینجر بر این باور است که رقابت ایران و عربستان ریشه‌های تاریخی داشته و به همین دلیل حتی در دوره حکومت پهلوی و سیاست دوستونی نیکسون نیز امکان اتحاد بین دو کشور وجود نداشت. پس از انقلاب نیز این روند ادامه یافت؛ ایران و عربستان هر دو به دنبال نفوذ بیشتر در

منطقه و داشتن عنوان قدرتمندترین «حکومت مسلمان» هستند. تعارضات منطقه ایران و عربستان پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ تقویت و تشدید شد. سابق بر این ایران و عربستان یک تقسیم کار و رعایت مصالح داشتند. اما با سقوط صدام و سپس تحولات بیداری اسلامی دامنه این رقابت تشدید شد. ترکیبی از تعارضات ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک این شرایط را تقویت کرد.

تغییر نسل سیاسی در عربستان سبب تغییر سیاست خارجی عربستان نیز شد. عربستان که همواره سیاستی محافظه کارانه در قبال تحولات منطقه و کشورهای همسایه داشت، سیاستی تهاجمی در پیش گرفت. ورود عربستان به درگیری مستقیم در یمن و حتی تشدید تعارضات با ایران نتیجه ظهور این نسل بی تجربه در سیاست خارجی عربستان بود. پس از قطع رابطه ایران و عربستان در سال ۲۰۱۶ که در پی اعتراضات به اعدام شیخ نمر در عربستان در ایران اتفاق افتاد، در اوایل سال ۲۰۲۱ زمزمه‌هایی مبنی بر مذاکره بین دو طرف آغاز شده است. اخبار مربوط به مذاکرات که به طور رسمی از دو سو تأیید نشده اولین بار توسط فایننشیل تایمز منتشر شد و به نظر می‌رسد مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر عراق نقش میانجی در گفتگوها را ایفا می‌کند. جنگ یمن و اختلالی که حوثی‌ها در صادرات نفت عربستان ایجاد کرده‌اند در مرکز مذاکرات قرار دارد. روی کار آمدن جو بایدن که منتقد سیاست‌های عربستان در حملات و کشتار غیرنظامیان یمنی است و خواهان پایان جنگ یمن است، نیز در تمایل عربستان برای مذاکره با ایران، تأثیرگذار بوده است. دولت بایدن با اولویت قرار دادن دیپلماسی در توافق با ایران، در حال بررسی روش‌های بازگشت به توافق هسته‌ای یا برنامه جامع اقدام مشترک است. بایدن این اولویت دیپلماسی را برای متحدان منطقه‌ای خود نیز از سال گذشته است. از آنجایی که سیاست‌های بایدن در غرب آسیا متفاوت از سلفش ترامپ است و اعلام کرده به عربستانی‌ها چک سفیدامضا نمی‌دهد، سعودی‌ها در تلاش‌اند با نزدیک شدن به ایران، سیاست خارجی جدید منطبق با بایدن در پیش بگیرند چرا که نمی‌خواهد در انزوا قرار بگیرند. دیپلمات‌های آمریکایی گفته‌اند پس از حملات موشکی اواخر سال ۲۰۱۹ به زیرساخت‌های نفتی عربستان که ریاض ایران را در آن حملات مقصر میدانست (ایران این اتهام را رد

نمود)، این کشور ارتباط خود با ایران را آغاز نموده است. چراکه علی‌رغم درخواست بن‌سلمان از ترامپ برای تشدید فشارها بر ایران، و عدم پذیرش این درخواست از سوی ترامپ، مذاکرات در سطح پایین بین ایران و عربستان آغاز شد. تنها تفاوت بین مذاکرات در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ این است که دور جدید مذاکرات توسط بن‌سلمان و ایالات متحده تصدیق شده است. ریاض که در دولت ترامپ از تحریم‌ها علیه ایران حمایت کرده بود در حال حاضر در پی گسترش محدودیت‌ها به برنامه موشکی ایران است. گفتنی است بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که گرچه ایرانی‌ها می‌توانند بر حوثی‌ها تأثیر بگذارند اما از آنجایی که حوثی‌ها بازیگران خودبسند و خودکفایی هستند، جمهوری اسلامی ایران به تنهایی برای خاموش کردن جنگ یمن کافی نیست. (hasan, 2021).

ایران و عربستان دلایل دیگری برای همکاری و بهبود روابط دارند. هر دو تحت فشار اقتصادی قرار دارند. پایین بودن و نوسان قیمت جهانی نفت عربستان سعودی را با بحران بدهی مواجه کرده است. در پاییز سال ۲۰۲۰، بدهی پادشاهی عربستان تقریباً ۳۳ درصد تولید ناخالص داخلی آن بوده است. ایران هم بعد از سالها تحریم از سوی آمریکا، با توجه به همه‌گیری بیماری کرونا، شرایط اقتصادی سختی را طی می‌کند. مبلغ بدهی ایران در سال ۲۰۲۰، معادل ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی می‌باشد. روابط ایران و عربستان تأثیر مهمی بر درگیری‌های منطقه‌ای خواهد گذاشت. از سوی دیگر پویایی روابط ایران و عربستان بسیار متأثر از مداخلات طرف سوم به ویژه ایالات متحده آمریکاست. دولت بایدن بر این باور است که همکاری بین ایران و عربستان سعودی بهتر می‌تواند منافع منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا را تأمین کند (Menshawy & Mabon, 2021).

از دیگر دلایل لزوم تنش زدایی در روابط ایران و عربستان موقعیت هر دو کشور در بازار انرژی است. پس از روی کار آمدن ترامپ و اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران، ایران عملاً سهم خود را در بازار نفت از دست داد. ایران در گذشته در بازار نفت اروپا دست برتر را داشت و عربستان به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت دست برتر را در جنوب و شرق آسیا دارد که توانسته آن را حفظ کند. ایران پس از حذف از بازار

نفت و گاز تا کنون هیچ نگاه کلان و راهبردی برای بازگشت به این بازار نداشته است. از سوی دیگر برخی بر این باورند که با وجود شکل‌گیری اوپک پلاس، موقعیت اوپک در خطر افتاده است. اما با توجه به تزلزل این مجموعه حتی پیش از کرونا و عدم توافق عربستان و روسیه در زمینه قیمت نفت و سایر موارد بازگشت به اوپک و تقویت این سازمان از سوی دو قدرت رقیب یعنی ایران و عربستان برای دو کشور ضروری است. با وجود اینکه عربستان بزرگترین تولیدکننده نفت دنیاست ولی نفت شیل آمریکا همچنان که توانست تهدید جدی برای سهم ایران در بازار نفت باشد می‌تواند به همین نحو تهدید جدی تری برای سهم عربستان در بازار نفت هم باشد به ویژه که نفت عربستان هم به صورت خام فروخته می‌شود و تحلیل‌ها نشان می‌دهد بازار فروش نفت خام در چند سال آینده در معرض خطر جدی است. از این رو هم ایران در حال حاضر بایستی مواضع خود را در اوپک تقویت کند و هم عربستان باید موقعیت بی‌ثبات و متزلزل خود در بازار نفت را تثبیت کند. کاهش تنش سیاسی عربستان و ایران از این جهت برای دو کشور ضروری است تا بتوانند موقعیت و منافع خود را در منطقه و دنیا حفظ کنند.

بن سلمان ولیعهد عربستان در صحبت‌های خود پس از منتشر شدن خبر مذاکرات با ایران، گفت با ایالات متحده آمریکا نود درصد اتفاق نظر وجود دارد. به این معنی که در مقابله با ایران را با روشی متفاوت و تحت رهبری ایالات متحده آمریکا ادامه خواهد داد. این بیانیه به این معنی است که عربستان سعودی دیگر از طریق حمایت از جنبش‌های افراطی با ایران مقابله نخواهد کرد. این تحول در استراتژی ایالات متحده و عربستان منجر به خاموش شدن جنگ در خاورمیانه می‌شود. اما در همین بیانیه بن سلمان از برنامه هسته‌ای ایران به عنوان برنامه منفی یاد کرد، که همین مسئله حل مسئله و توافق بین دو کشور را در کوتاه مدت دشوار خواهد نمود. علاوه بر این توانایی موشکی ایران حتی بیش از مسئله هسته‌ای از نظر عربستان سعودی مشکل‌ساز است. امکان عادی‌سازی روابط بین دو کشور وجود دارد و دوره‌های همکاری بین دو کشور مؤیدی بر این مهم است. بر این مبنا بسیاری کارشناسان معتقدند دستیابی به توافق بین دو کشور نیازمند حل مسائل اساسی

است و از این رو پایدار نخواهد بود. با این وجود ایران و عربستان دو بازیگر مهم منطقه هستند که بایستی یک نوع همزیستی در منطقه را با هم ایجاد کنند. تشدید تعارضات امنیت منطقه و منافع این دو کشور را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد. از این رو بایستی یک تقسیم منافع بین دو کشور در جهت تامین مصالح شکل بگیرد.

نتیجه گیری

کشورهای منطقه غرب آسیا و به ویژه قدرت‌های این منطقه نمی‌توانند همسایگی خود را با دیگر کشورها نادیده بگیرند و تنها بر مبنای دیدگاه‌ها، امنیت و منافع خود عمل کنند بلکه آنها بایستی برای برون‌رفت از چالش‌های موجود تغییراتی را در سیاست همسایگی خود اعمال کنند. در این بین نقش قدرت‌های منطقه بیش از سایر کشورها تأثیرگذار است. بر این مبنای کشورهای منطقه بایستی اصولی را در سیاست همسایگی خود قرار دهند که در راستای کاهش عوامل بی‌ثبات‌ساز و تقویت بنیان‌های عوامل ثبات‌ساز در منطقه باشد. عربستان سعودی خود را به عنوان یک سلطنت پایدار، ثروتمند و خیرخواه، متحد غرب، محافظ و وضعیت خلیج فارس اسلام موجود و میان‌رودان رو نشان می‌دهد. از سوی دیگر، ایران خود را یک کشور تجدیدنظرطلب، مخالف با پتانسیل رهبری منطقه‌ای معرفی می‌کند که منتقد نظم منطقه‌ای فعلی است، در برابر دخالت خارجی در خاورمیانه می‌ایستد و مدافع جنبش‌های منطقه‌ای است. رویکرد متفاوت این دو قدرت منطقه‌ای به راهبرد متفاوت آنها در سیاست همسایگی‌شان در مواقع بحرانی و غیر بحرانی در قبال کشورهای همسایه انجامیده است.

از سوی دیگر غرب آسیا منطقه‌ای است که به طور مرتب درگیر تنش و رقابت است. هر یک از رقبای منطقه‌ای (ایران، عربستان و ترکیه) در پی تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای هستند. این قدرت مستلزم صلح و ثبات منطقه‌ای است تا در پرتو آن توسعه اقتصادی نیز جلوه‌گر شود، چراکه توسعه اقتصادی و صلح و ثبات دو روی یک سکه هستند. از این رو ایران یا بایستی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای سعی کند ثبات منطقه‌ای را پیگیری کند و یا در صورت عدم ثبات در منطقه ناگزیر در

جستجوی توسعه اقتصادی در فراسوی منطقه غرب آسیا پردازد. بر این مبنا امنیت ایران نمی‌تواند مستقل از امنیت همسایگانش باشد. بنابراین، بستر گسترش فرهنگی که شرایط سیاست همسایگی ایران اسلامی را فراهم می‌کند، مستلزم محیطی کم‌تنش با تعاملات دوجانبه و چندجانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

با توجه به اهمیت ثبات منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ یک سیاست همسایگی خوب از طریق ایجاد یک جبهه مشترک در مورد مسائل دیپلماتیک و مسائل امنیتی، و عدم دخالت مستقیم در مسائل داخلی و شورش‌های کشورهای همسایه و در مقابل تقویت گروه‌های منطقه هم‌انعطاف‌پذیری بیشتری به کشورهای داد هم مانع از دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی برای حل مسائل کشورهای منطقه شد. انعطاف‌پذیری به کشورها اجازه می‌دهد تا ظرفیت بیشتری برای حل و فصل اختلافات داشته باشند. در حالیکه عربستان با اتخاذ سیاست همسایگی نامناسب در برخورد با انقلاب‌های عربی سبب تشدید فرقه‌گرایی در منطقه شده و بی‌ثباتی و تنش در کشورهای درگیر را افزایش دادند. استفاده عربستان از قدرت سخت و حضور نظامی در کشورهای منطقه نمود بارزی از سیاست همسایگی نامناسب عربستان بود. منطقه غرب آسیا امروز بیش از هر زمان دیگری به تقویت اتحاد و همبستگی نیاز دارد چرا که علاوه بر پیامدهای ناشی از رکود اقتصادی و کم‌شدن ارزش منابع طبیعی از جمله نفت و گاز منطقه با پدیده‌ای جهانی به نام بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ مواجه است که لازمه مقابله با آن همکاری روزافزون کشورهای منطقه در جهت مقابله با آن و آماده‌سازی ساختارهای منطقه‌ای برای جهان پس از کرونا است.

راهبرد پیشنهادی به جمهوری اسلامی ایران در منطقه تقویت نفوذ و در عین حال کاهش تنش با عربستان می‌تواند باشد. حل و فصل مسئله تحریم می‌تواند بر نوع تعامل ما با عربستان تأثیر می‌گذارد. در راهبرد آینده ایران باید بتواند تنش‌ها خود با سعودی را بر اساس تعریف منافع مشترک بین دو کشور به حداقل برساند به نحوی که این کاهش تنش نتواند بر حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأثیر منفی بگذارد و نیز مانع از نزدیکی عربستان و سایر کشورهای منطقه به اسرائیل

و حتی غرب و آمریکا علیه منافع ایران شود. بر این مبنا ادامه مذاکرات با عربستان ضرورت داشته و باید به آن توجه کرد.

منابع

- برزگر، ک. (1388). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی. روابط خارجی. 113-153 ,
- بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی (1392). اردیبهشت ۹ Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>
- بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰ (1390). فروردین ۱. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11804>
- بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی (1394). مرداد ۲۶ Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524>
- بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی: Retrieved from [farsi.khamenei.ir: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524) (1394, 5 26).
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (20). تیر ۱۳۹۴ Retrieved from [farsi.khamenei.ir: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255)
- دیدار سخنگوی جنبش انصارالله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب (1398). مرداد ۲۲ Retrieved from [farsi.khamenei.ir: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43236](https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43236)
- سه‌راهی، م. (1393). سیاست روسیه قبل و بعد از تحولات اسلامی در منطقه خاورمیانه. راهبرد. 101-121, 23 ,
- طاهایی، س & موسوی نیا، س. (1392). همسایگی؛ نظریه‌ای برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست اسلامی. 165-192, 4 ,
- قنبرلو، ع. (۱۳۸۸). مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای. مطالعات راهبردی. ۴, ۵۴.
- مشیرزاده، ح. (1394). احیای حوزه تحلیل سیاست خارجی: تحلیلی چند متغیره. پژوهشنامه علوم سیاسی. 139-171, 3(3) ,

- Blanchard, C. M. (2021). *Saudi Arabia: Background and U.S. Relations*. Congressional Research Service. Retrieved from <https://sgp.fas.org/crs/mideast/RL33533.pdf>
- Colombo , S. (2012). *The GCC Countries and the Arab Spring. Between Outreach , Patronage and Repression*. Istituto Affari Internazionali. Retrieved from <https://www.iai.it/sites/default/files/iaiw1209.pdf>
- Fürtig, H. (2013). *Iran and the Arab Spring: Between Expectations and Disillusion*. German Institute for Global and Area Studies (GIGA). Retrieved from https://www.jstor.org/stable/resrep07585?seq=1#metadata_info_tab_contents
- Youssef, H. (2016). *Lessons from the Arab Awakening*. STOCKHOLM, SWEDEN.
- Abu Hilal, F. (2011). *Iran and the Arab Revolutions: Positions and Repercussions*. doha: Arab Center for Research & Policy Studies. Retrieved from https://www.dohainstitute.org/en/lists/ACRPS-PDFDocumentLibrary/Iran_and_the_Arab_Revolutions_Positions_and_Repercussions.pdf
- Cerioli, L. G. (2018). Roles and International Behaviour: saudi-iranian Rivalry in Bahrain's and yemen's arab spring. *Contexto international*, 295-317.
- Flesch, D. (2007, June). *Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case*. hamburg: giga. Retrieved 2021, from www.giga-hamburg.de/workingpapers.
- Godement, F. (2014, february). China's Neighbourhood Policy - The Web site cannot be found. Retrieved from https://www.files.ethz.ch/isn/177889/China_Analysis_China_s_Neighbourhood_Policy_February2014.pdf
- Grechyna, D. (2017, Jun 29). *Political Instability: The Neighbor vs. the Partner Effect*. London.
- hasan, s. (2021). *Can Iran and Saudi Arabia bury the past and end the Yemen war?* Retrieved from [www.trtworld.com: https://www.trtworld.com/magazine/can-iran-and-saudi-arabia-bury-the-past-and-end-the-yemen-war-46264](http://www.trtworld.com/magazine/can-iran-and-saudi-arabia-bury-the-past-and-end-the-yemen-war-46264)
- Khan, I. (2020, June 4). *Analysis: How Saudi Arabia and Iran became rivals*. Retrieved from <https://www.aljazeera.com/>

<https://www.aljazeera.com/features/2020/6/4/analysis-how-saudi-arabia-and-iran-became-rivals>

- Li, C., & Yang, X. (2019). China's Cooperation with Neighboring Developing Countries. *World Century Publishing Corporation and Shanghai Institutes for International Studies*, 5, 33-48. doi:10.1142/S2377740019500040
- Maloney, S. (2017). *The roots and evolution of Iran's regional strategy*. atlanticcouncil. Retrieved from <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/the-roots-drivers-and-evolution-of-iran-s-regional-strategy/>
- McGinn, J. (2018). *Saudi Arabia and Iran: Beyond Conflict and Coexistence?* Middle East Centre. Retrieved from https://eprints.lse.ac.uk/89829/1/MEC_Saudi-Arabia-Iran_Published.pdf
- Menshawy, M., & Mabon, S. (2021, mar 13). *Saudi Arabia and Iran have not always been foes*. Retrieved from <https://www.aljazeera.com:https://www.aljazeera.com/opinions/2021/3/13/sectarianism-and-saudi-iranian-relations>
- Mousavian, H. (2019, Spring). *A Win-Win for Iran and the Region*. Retrieved from thecairoreview.
- Perteghella, A. (2019). *ispionline.it*. Retrieved from <https://www.ispionline.it/en/pubblicazione/iran-looking-east-alternative-eu-24470>
- Raga, A. A. (2020). *The Bab el-Mandeb strait: Geopolitical considerations of the strategic chokepoint*. www.ieee.es. Retrieved from https://www.ieee.es/Galerias/fichero/docs_opinion/2020/DIEEEO19_2020ANAAGU_BabMandeb_ENG.pdf
- Tarnawski, M. (2013). Regional Implications of the Arab Spring. doi:<https://doi.org/10.14746/ps.2013.1.8>
- Vogt , A., & Jalilvand , D. (2020). *ONE YEAR AFTER THE RE-IMPOSITION OF SANCTIONS*. FRIEDRICH-EBERT-STIFTUNG. Retrieved from <https://library.fes.de/pdf-files/iez/15761.pdf>
- Wehrey, F. (2011). Uprisings Jolt the Saudi-Iranian Rivalry. *110(740)*, 352-357. doi:<https://doi.org/10.1525/curh.2011.110.740.352>

- References
- Abu Hilal, F. (2011). *Iran and the Arab Revolutions: Positions and Repercussions*. doha: Arab Center for Research & Policy Studies. Retrieved from https://www.dohainstitute.org/en/lists/ACRPS-PDFDocumentLibrary/Iran_and_the_Arab_Revolutions_Positions_and_Repercussions.pdf
- Barzegar, k. (1388). Iran's foreign policy from the perspective of offensive and defensive realism. *Foreign Relations*, 113-153. (In Persian)
- Blanchard, C. M. (2021). *Saudi Arabia: Background and U.S. Relations*. Congressional Research Service. Retrieved from <https://sgp.fas.org/crs/mideast/RL33533.pdf>
- Colombo, S. (2012). *The GCC Countries and the Arab Spring. Between Outreach, Patronage and Repression*. Istituto Affari Internazionali. Retrieved from <https://www.iai.it/sites/default/files/iaiw1209.pdf>
- Cerioli, L. G. (2018). Roles and International Behaviour: saudi-iranian Rivalry in Bahrain's and yemen's arab spring. *Contexto international*, 295-317.
- Ghanbarlo, a. (1388). The concept and nature of regional power. *Strategic Studies*, 4, 54. Mushirzadeh, H. (1394). Reviving the Field of Foreign Policy Analysis: A Multivariate Analysis. *Journal of Political Science*, 3 (3), 139-171. (In Persian)
- Godement, F. (2014, february). China's Neighbourhood Policy - The Web site cannot be found. Retrieved from https://www.files.ethz.ch/isn/177889/China_Analysis_China_s_Neighbourhood_Policy_February2014.pdf
- Grechyna, D. (2017, Jun 29). Political Instability: The Neighbor vs. the Partner Effect. London.
- Fürtig, H. (2013). *Iran and the Arab Spring: Between Expectations and Disillusion*. German Institute for Global and Area Studies (GIGA). Retrieved from https://www.jstor.org/stable/resrep07585?seq=1#metadata_info_tab_contents
- Youssef, H. (2016). *Lessons from the Arab Awakening*. STOCKHOLM, SWEDEN.
- Flesmes, D. (2007, June). *Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case*.

- hamburg: giga. Retrieved 2021, from www.giga-hamburg.de/workingpapers.
- hasan, s. (2021). *Can Iran and Saudi Arabia bury the past and end the Yemen war?* Retrieved from www.trtworld.com:https://www.trtworld.com/magazine/can-iran-and-saudi-arabia-bury-the-past-and-end-the-yemen-war-46264
 - Khan, I. (2020, June 4). *Analysis: How Saudi Arabia and Iran became rivals*. Retrieved from <https://www.aljazeera.com:https://www.aljazeera.com/features/2020/6/4/analysis-how-saudi-arabia-and-iran-became-rivals>
 - Leader's speech to members of Ahlul Bayt World Assembly and Islamic Radio and TV Union. (1394, August 26). Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30524> (In Persian)
 - Li, C., & Yang, X. (2019). China's Cooperation with Neighboring Developing Countries. *World Century Publishing Corporation and Shanghai Institutes for International Studies*, 5, 33-48. doi:10.1142/S2377740019500040
 - Maloney, S. (2017). *The roots and evolution of Iran's regional strategy*. atlanticcouncil. Retrieved from <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/the-roots-drivers-and-evolution-of-iran-s-regional-strategy/>
 - McGinn, J. (2018). *Saudi Arabia and Iran: Beyond Conflict and Coexistence?* Middle East Centre. Retrieved from https://eprints.lse.ac.uk/89829/1/MEC_Saudi-Arabia-Iran_Published.pdf
 - Menshawy, M., & Mabon, S. (2021, mar 13). *Saudi Arabia and Iran have not always been foes*. Retrieved from <https://www.aljazeera.com:https://www.aljazeera.com/opinions/2021/3/13/sectarianism-and-saudi-iranian-relations>
 - Meeting with Mohammed Abdessalam, the spokesman for Yemen's Ansarallah. (1398, August 22). Retrieved from [farsi.khamenei.ir:https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43236](https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43236) (In Persian)
 - Mousavian, H. (2019, Spring). *A Win-Win for Iran and the Region*. Retrieved from thecairoreview.com
 - Perteghella, A. (2019). *ispionline.it*. Retrieved from <https://www.ispionline.it/en/pubblicazione/iran-looking-east-alternative-eu-24470>

- Raga, A. A. (2020). *The Bab el-Mandeb strait: Geopolitical considerations of the strategic chokepoint*. www.ieee.es. Retrieved from https://www.ieee.es/Galerias/fichero/docs_opinion/2020/DIEEEO19_2020ANAAGU_BabMandeb_ENG.pdf
- Sohrabi, M. (1393). Russia's policy before and after the Islamic developments in the Middle East. *The Scientific Journal Of Strategy*, 23, 101-121. (In Persian)
- Supreme Leader's Speech at Inauguration of Islamic Awakening and Ulama Conference. (2013, May 9). Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405> (In Persian)
- Supreme Leader's Speech in a group meeting of students. (July 20, 2015). Retrieved from [farsi.khamenei.ir: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255) (In Persian)
- Tahaei, S., & Mousavi Nia, S. (1392). Neighborhood; A Theory for the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Politics*, 4, 165-192. (In Persian)
- Tarnawski, M. (2013). Regional Implications of the Arab Spring. doi:<https://doi.org/10.14746/ps.2013.1.8>
- The Leader's speech in Mashhad on the first day of the New Year. (1390, April 1). Tehran. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11804> (In Persian)
- Vogt , A., & Jalilvand , D. (2020). *ONE YEAR AFTER THE RE-IMPOSITION OF SANCTIONS*. FRIEDRICH-EBERT-STIFTUNG. Retrieved from <https://library.fes.de/pdf-files/iez/15761.pdf>
- Wehrey, F. (2011). Uprisings Jolt the Saudi-Iranian Rivalry. *110(740)*, 352-357. doi:<https://doi.org/10.1525/curh.2011.110.740.352>